

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۰۲۶۱۱۹۰۸۶ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۰۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# شترق

روزنامه

پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ • ۲۲ صفر ۱۴۴۸ • ۶ آگوست ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۴۴۵ • صفحه اذان ظهرتهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۴ • اذان صبح فردا ۳:۴۲ • طلوع آفتاب ۵:۱۷

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

در سیاست، گاهی اهمیت یک خبر بیش از آنکه به

محتوای آن وابسته باشد، به گوینده آن بازمی‌گردد. وقتی

رسانه‌ای مانند رویترز که سال‌هاست از معتبرترین منابع

خری جهان محسوب می‌شود و همواره تلاش کرده

تحولات ایران را از منظر حرفه‌ای پوشش دهد، گزارشی تحقیقی درباره رضا پهلوی منتشر می‌کند، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک خبر رور زود دانست. این گزارش را باید نشانه‌ای از تغییر نگاه بخشی از فضای رسانه‌ای و سیاسی غرب به پروژه‌ای دانست که نزدیک به پنج دهه، با امیدها، تبلیغات و سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و رسانه‌ای همراه بوده است.

آنچه رویترز منتشر کرده، در ظاهر گزارشی درباره وضعیت امروز رضا پهلوی است، اما در لایه‌های عمیق‌تر، روایتگر فرسایش تدریجی پروژه‌ای است که طی سال‌های گذشته تلاش شد به عنوان «گزینه جایگزین» برای آینده ایران معرفی شود. این گزارش نه با ادبیات تبلیغاتی نوشته شده و نه با هدف تخریب، بلکه حاصل گفت‌وگو با طبیفی از نزدیکان، همکاران، حامیان، منتقدان و تحلیلگران است. همین ویژگی باعث می‌شود نتیجه‌گیری‌های آن بیش از بسیاری از تحلیل‌های سیاسی قابل توجه باشد.

سال‌ها این تصور در بخشی از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور شکل گرفت که رضا پهلوی تنها چهره‌ای است که می‌تواند محور وحدت مخالفان جمهوری اسلامی باشد. این تصویر به‌تدریج چنان تکرار شد که برای برخی به یک واقعیت بدیهی تبدیل شد؛ گویی تنها مانع تحقق آن، فراهم‌نشدن شرایط سیاسی است. اما گزارش رویترز، این روایت را با پرسش‌های جدی روبه‌رو می‌کند.

در این گزارش، بیش از هر چیز بر یک مسئله تاکید شده

است: بزرگ‌ترین چالش رضا پهلوی، نه ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، بلکه ناتوانی در ایجاد اجماع میان نیروهائی است که خود را مخالف جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند. مخالفانی که هریک روایت، راهبرد، اولویت و حتی تعریف متفاوتی از آینده ایران دارند و تاکنون هیچ شخصیت یا جریان‌ی نتوانسته آنان را حول یک برنامه مشترک گرد آورد. رویترز به اختلافات گسترده میان جریان‌های مختلف اپوزیسیون اشاره می‌کند؛ اختلافاتی که طی سال‌های اخیر بارها آشکار شده و هر بار امید به تشکیل یک ائتلاف فراگیر را کمرنگ‌تر کرده است. در این میان، رضا پهلوی نیز نتوانسته از جایگاه نمادین فراتر رفته و به یک رهبر سازمان‌دهنده تبدیل شود. گزارش، از کاهش اعتماد برخی حامیان سابق، اختلافات داخلی و دشواری تشکیل یک ساختار منسجم سخن می‌گوید؛ موضوعاتی که نشان می‌دهد فاصله میان تصویر رسانه‌ای و واقعیت سیاسی، فاصله‌ای قابل توجه است. شاید مهم‌ترین بخش این گزارش، جایی نباشد که از اختلافات اپوزیسیون سخن می‌گوید، بلکه آنجاست که ناخواسته پرده از یک واقعیت بزرگ‌تر برمی‌دارد: پروژه‌ای که نزدیک به نیم‌قرن با تبلیغات رسانه‌ای، حمایت برخی محافل سیاسی و تصویرسازی‌های مداوم تلاش کرد خود را «آلترناتیو» معرفی کند، هنوز از ابتدایی‌ترین مؤلفه‌های



هانی رستگاران

روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر مسائل سیاسی

یک جریان سیاسی برخوردار نیست؛ نه سازمان منسجم، نه راهبرد مشترک و نه توان ایجاد اجماع حتی در میان نزدیک‌ترین همراهان خود.

رویترز تصویری ارائه می‌دهد که با آنچه سال‌ها در برخی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور ساخته شده بود، تفاوتی اساسی دارد. در این روایت، دیگر خبری از یک رهبر بلامنازع نیست، بلکه با مجموعه‌ای از اختلافات، انشعاب‌ها، ریزش نیروها، نارضایتی حامیان سابق و بحران رهبری روبه‌رو هستیم. این همان نقطه‌ای است که افسانه با واقعیت برخورد می‌کند.

مسئله فقط شخص رضا پهلوی نیست. او در این گزارش، نماد پروژه‌ای است که سال‌ها وعده «فردای ایران» را داد، اما حتی نتوانست درباره امروز خود به یک انسجام حداقلی



بخش‌هایی از تالاب بین‌المللی میانکاله از دو روز گذشته با توجه به شواهد و گزارش مسئولین دچار آتش‌سوزی عمدی شده است. تاکنون تقریباً بیش از ۱۰۰ هکتار از این منطقه درگیر حریق شده و در آتش سوخته است. یگان‌های امدادی و نیروهای حفاظت محیط زیست شبانه‌روزی برای اطفای حریق در منطقه حضور دارند. عکس، مصطفی شانه‌چی، ایسا

## پایان رؤیابافی ۴۸ ساله

روایتی از افول پروژه رضا پهلوی در آینه رویترز

برسد. جریانی که قادر نیست میان ده‌ها گروه همسو ائتلافی پایدار ایجاد کند، چگونه می‌تواند ادعای مدیریت کشوری را بیلون‌ها شهروند، صدها مسئله پیچیده و ده‌ها شکاف اجتماعی را داشته باشد؟

واقعیت این است که سیاست، میدان شعار نیست؛ میدان کارآمدی است. هیچ جریان سیاسی صرفاً با اتکا به حضور رسانه‌ای، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی یا حمایت بیرونی به جایگاه رهبری نمی‌رسد. مشروعیت سیاسی ساخته نمی‌شود؛ به دست می‌آید. این همان حلقه مفقوده‌ای است که گزارش رویترز، خواسته یا ناخواسته، آن را آشکار می‌کند. بخش قابل توجهی از اپوزیسیون خارج از کشور طی دهه‌های گذشته بیش از آنکه درگیر شناخت جامعه ایران باشد، درگیر رقابت‌های درونی، اختلافات شخصی، منازعات رسانه‌ای و سهم‌خواهی سیاسی بوده است. نتیجه نیز روشن است: نه برنامه‌ای که بتواند اجماع ایجاد کند، نه ساختاری که دوام بیاورد و نه رهبری که بتواند حتی مخالفان هم‌فکر خود را کنار یک میز بنشاند.

همین مسئله موجب شده است فاصله میان ادعا و واقعیت هر روز بیشتر شود. سال‌ها گفته شد این جریان «آلترناتیو آماده» است، اما هر رخداد مهم سیاسی نشان داد این آمادگی بیشتر در عرصه تبلیغات وجود دارد تا در میدان

#### یادداشت

### دراهمیت درک تحول مفهوم سلامت

**ایرج سبحانی، پزشک:** نگاهی به سیر تحول مفهوم سلامت در جوامع غربی و مدرن، ما را متوجه جابه‌جایی تدریجی آن از یک الگوی بیماری‌محور به سوی مفهومی ذهنی‌تر و سیال از رفاه و بهزیستی می‌کند. شگفتی این تحول در فاصله‌ای است که میان رشد و توسعه تکنولوژی در حوزه پزشکی مدرن و رویکرد جامعه‌شناختی از امر سلامت مشاهده می‌شود. در پهنای این فاصله، انتظار بیمار و رفتار پزشک تکمیل‌کننده یکدیگر نیستند. در این سری مقالات تلاش خواهیم کرد چگونگی رابطه پزشک با بیمار در ایران را با توجه به تحول جهانی مفهوم سلامت و کاروری درمانی بررسی کنیم. گرچه پزشک مبتنی بر اصل بهره‌وری از تازه‌های علم پزشکی و هرچه فنی‌ترشدن آن سعی دارد شهروند ایرانی مانند سایر مردم در جهان از خدمات به‌روزشده بهره‌مند شود؛

اما در بسیاری موارد ذهنیت شهروند منجر به وضعیتی شده که گاهی باعث انصراف بیمار از مراجعه به پزشک و گاهی برعکس منجر به مصرف بی‌رویه و پرهزینه کالاهای حافظ سلامت است. این ناهنجاری «مدرن» هم ریشه در گسست‌های معرفت‌شناختی در سطح جهانی و هم در مدیریت نامتناسب عرضه و مصرف کالای درمانی در ایران، به‌ویژه ویژگی‌های مربوط به نوع رابطه «درمان‌کننده» و «درمان‌جو» در جامعه دارد. در پرتو این نگاه تاریخی و میان‌رشته‌ای، مدیریت عرضه و مصرف کالای درمانی در ایران امروز، نقد و بررسی می‌شود:

اگرچه فهم دقیق بیماری توسط بیمار، تا تحلیل جامع پدیده اتانازی (مرگ خودخواسته) که تأملی فراتر از فرار به جلو یا تقلیل آن به ارزش‌گذاری‌های سنتی را می‌طلبد. در این میان، فهم دقیق و عمیق شهروند درک این تحولات و حقوق پیرامون آنها، شناخت واقع‌گرایانه ناهنجاری‌های سلامت، حدود حقوق بیمار و وظایف اجتماعی نسبت به آنها و مسئولیت‌پذیری پزشک و کارگاه تولید و ارائه کالای سلامت، حائز اهمیت است.

**رشد تکاملی مفهوم سلامت**

امروزه سلامت به عرصه تعارضی میان تضمین ایمنی و مراقبتی نسبت به شهروند، تورم مقررات، کالایی‌سازی بهزیستی و بحران بی‌اعتمادی نسبت به کارورزان و نهادهای درمان بیماری، بدل شده است. از این منظر، سلامت چون آینده‌ای، افشاگر تناقض‌های درونی دنیای مدرن میان خودمختاری و مراقبت/نظارت، نوآوری و احتیاط و هرچه بیشتر دانستن (از طریق اینترنت، هوش مصنوعی) و آسیب‌پذیری شده است. رفته‌رفته، توهمی از «سلامت ایدئالیزه»شده شکل گرفته که یا پزشک را از حلقه خود بیرون نگه می‌دارد یا بی‌اعتمادی از او انتظار تأیید با قطعیت و همیاری با او را دارد.

سرویس علمی و اجتماعی-پزشکی مدرن غربی از سده نوزدهم میلادی بر پایه عینی‌سازی بدن، نقطه تلاقی این چالش‌ها، «حق خودمختاری بیمار» است؛ یعنی پذیرش اراده فرد برای بهتر زیستن در عصر داده‌ها و فناوری‌های فرآینده. در نهایت، در ساحت اجتماعی و اقتصادی نیز پذیرش مسئولیت خطرات و هزینه‌ها از سوی پزشک، فرد و جامعه، گسترش دیدگاه نسبت به سلامت روان و جسم را به امری اجتناب‌ناپذیر بدل می‌کند. در نهایت، الگوی زیست‌پزشکی کلاسیک در سلامت به‌منابه «نبود بیماری» تلقی می‌شود.

«مجموعه یادداشت‌های دکتر سبحانی که اینک در فرانسه به طبابت و تدریس می‌پردازند در چند شماره درباره جایگاه سلامت و بحران‌های مدرن و پسا مدرن آن قرار است منتشر شود.

#### شبکه‌خوانی

#### تقلب دانشجویان

فردین علیخواه، استاد دانشگاه، در متنی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده، به معضلی که اکنون در جوامع دانشگاهی رو به افزایش است، می‌پردازد: «تأثیر هوش مصنوعی بر تحصیل دانشجویان». او می‌نویسد: «یکی، دو سالی است که آموزش عالی با مسئله‌ای جدی روبه‌رو شده است؛ جدی‌تر از نگرانی‌های قدیمی درباره تقلب دانشجویی. با آمدن ابزارهای هوش مصنوعی برای تولید متن، دیگر نمی‌توان مانند قبل با اطمینان فهمید کدام دانشجو واقعاً با استعداد و کدام‌یک فقط از این ابزارها کمک گرفته است. در امتحانات مجازی چند ترم اخیر، موضوعی که بیش از هر چیز توجه را جلب می‌کند، شباهت عجیب پاسخ‌هاست. دانشجویانی که در کلاس‌ها، سطوح بسیار متفاوتی از مشارکت و دقت را داشتند، در برکه امتحان جواب‌هایی می‌دادند که از نظر جمله‌بندی، کلمه‌ها و حتی منطق استدلال، عجیب شبیه هم بود؛ جمله‌هایی یکنواخت، فهرست‌هایی مرتب، لحنی صاف که هیچ فرازنشیبی نداشت. انگار متن هیچ ردپای شخصی‌ای ندارد. مسئله این است که این پدیده، «تقلب» در نوع قدیمی آن نیست. امکان ردیابی تقلب در نوع قدیمی آن وجود داشت؛ متن با منبعی مشخص مقایسه و در نهایت اثبات می‌شد. اما آنچه اکنون اتفاق می‌افتد، شکل دیگری دارد؛ پاسخ‌ها از قدر شبیه هم شده‌اند که مرز بین «فهمیدن» و «کیی‌کردن» مبهم شده است، دانشجویی که جواب روان و منسجمی تحویل می‌دهد، ممکن است واقعاً مطلب را فهمیده و فقط برای پالایش نوشته‌اش از فناوری کمک گرفته باشد یا ممکن است هیچ چیز نفهمیده باشد و همه‌چیز را مستقیم از هوش مصنوعی دریافت کرده باشد. با ابزارهایی که اکنون در دست داریم، تشخیص این دو حالت عملاً سخت و چالش‌برانگیز شده است». این استاد دانشگاه نوشته خود را چنین به پایان می‌برد: «ما دچار شکلی از «تومی» شده‌ایم؛ مفهومی که امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی از آن گفت؛ وضعیتی که قاعده‌های قدیمی دیگر جواب نمی‌دهند و قاعده تازه‌ای هم هنوز شکل نگرفته است. این روزها استادان هم نمی‌دانند راه درست کدام است و شاید صادقانه‌ترین جمله‌ای که می‌شود در پایان این یادداشت نوشت، همین باشد: در مسیری هستیم که می‌دانیم دارد چه اتفاقی می‌افتد، ولی هنوز نمی‌دانیم باید چه کار کنیم».

#### پیشخوان

#### رونمایی از کتاب هادی خانیکی

نشست رونمایی و گفت‌وگوی جمعی درباره کتاب «هم‌نشینی با سرطان: روایت رویارویی و رهایی» نوشته هادی خانیکی، پنجشنبه ۱۵ مرداد ساعت ۱۸:۳۰ با حضور فریبا اقدامی، هم‌بنیان‌گذار باشگاه «از ... تا» در کتاب‌فروشی چشمه کارگر برگزار می‌شود. «هم‌نشینی با سرطان» از تجربه شخصی نویسنده در رویارویی با سرطان آغاز می‌شود، اما از روایت بیماری فراتر می‌رود و به تأملی درباره رنج، امید، مراقبت، دوستی، مسئولیت اجتماعی و معنای زیستن در کنار دیگری می‌پردازد. این برنامه به‌جای سخنرانی، به شکل گفت‌وگویی جمعی برگزار خواهد شد و موضوعاتی مانند تجربه زیسته رنج، امید و تاب‌آوری، همدلی و همراهی، روابط انسانی، مسئولیت اجتماعی در برابر رنج دیگران و نقش نوشتن و ادبیات در فهم تجربه‌های دشوار زندگی محور گفت‌وگو خواهد بود. در این نشست، هادی خانیکی، استاد ارتباطات اجتماعی، نویسنده و کششگر مدنی، در کنار فریبا اقدامی، هم‌بنیان‌گذار باشگاه «از ... تا» و تسهیلگر گفت‌وگو، حضور خواهند داشت که هر دو تجربه رویارویی با سرطان را پشت سر گذاشته‌اند و درباره کتاب و موضوعات مرتبط با آن با حاضران گفت‌وگو خواهند کرد. این نشست برای علاقه‌مندان به ادبیات، روایت‌های زیسته، مطالعات اجتماعی، ارتباطات و گفت‌وگو درباره تجربه رنج و امید آزاد است.

